

## مسئولیت دولت‌های عضو در قبال اعمال سازمان‌های بین‌المللی: بازنگری ایرادات مصلحت‌اندیشانه<sup>1</sup>

ترجمه: علی اصغر امیر<sup>2</sup>

### مقدمه

طی شصت سال گذشته رشد پرشتابی در تعداد، قلمرو و نفوذ سازمان‌های بین‌المللی به وجود آمده است. این رشد پرشتاب، قابلیت بالقوه سازمان‌های بین‌المللی را در ارتکاب اعمالی که به نحوی زیانبار، بر منافع کشورها و افراد اثر می‌گذارند، بسیار گسترش داده است. در نتیجه، وجود چنین قابلیت‌های تصمیم‌گیری و پاسخ به این سؤال را ضروری می‌سازد که «وقتی یک سازمان بین‌المللی حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند، چه کسی پاسخگو و مسئول تأمین خسارت است؟»

کمیسیون حقوق بین‌الملل<sup>3</sup> در حالی که در پاسخ به تقاضایی از جانب مجمع عمومی سازمان ملل<sup>4</sup> نگرانی خود را از این موضوع بیان می‌کند، تهیه پیش‌نویس موادی را برای تدوین قواعد حاکم بر مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی آغاز کرده است.<sup>5</sup> یکی از مشکل‌ترین مباحثی که در این خصوص در کمیسیون حقوق بین‌الملل تحت بررسی قرار دارد این است که آیا می‌توان

1. مشخصات مأخذ مقاله به شرح زیر است:

Andrew., Stumer., "Liability of Member States for Acts of International Organization: Reconsidering the Policy Objections", Harvard International Law Journal; Vol.48, No.2, summer 2007, pp. 553-580.

2. دانش‌آموخته کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران email:amir.ali84@yahoo.com

3. International Law Commission (ILC)

4. G.A. Res.56/82, U.N. Doc. A/RES/56/82(Dec.12, 2001)

5. عناوین و متن مواد 30-25 طرح پیش‌نویس مواد «طرح مسئولیت سازمان‌هان بین‌المللی» که به وسیله کمیته تهیه پیش‌نویس در 19 ژوئیه 2006 پذیرفته شده است:

U.N. Doc. A/CN. 4/L 687/Add ,1 (July 19, 2006) [hereinafter ILC July 19 Report]

دولت‌های عضو را به‌عنوان طرف‌های ثالث به دلیل اعمال یک سازمان بین‌المللی، به صورت ثانوی یا همزمان با آن سازمان مسئول دانست؟<sup>۶</sup> اصطلاح مسئولیت ثانوی و مسئولیت همزمان که در سراسر نوشتار متن استفاده شده است به معنای انتساب مسئولیت به یک دولت صرفاً به دلیل عضویتش در یک سازمان بین‌المللی است. این اشکال از مسئولیت در مقابل مسئولیتی مطرح می‌گردد که ممکن است به یک دولت در قبال اعمال ناقض حقوق بین‌الملل که از جانب خود او واقع شده، منتسب گردد.

در ژوئیه ۲۰۰۶ کمیته‌ای که در کارگروه کمیسیون حقوق بین‌الملل برای تهیه پیش‌نویس راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی تشکیل شد مواد پیش‌نویسی را که به مسئولیت دولت‌های عضو مربوط می‌شد، تصویب کرد.<sup>۷</sup> مواد این پیش‌نویس فرض مختلفی را برمی‌شمرد که در آن‌ها رفتار دولت عضو می‌تواند موجب انتساب مسئولیت به آن دولت در قبال عمل یک سازمان بین‌المللی گردد. با این حال، مواد پیش‌نویس از تحمیل مسئولیت بر دولت‌های عضو تنها به دلیل عضویت در سازمان، حمایت نمی‌کند.

درحالی‌که کارگروه، طیف وسیعی از موضوعات را در رسیدن به نتیجه مذکور بررسی می‌کرد، بر ملاحظه‌ای مصلحت‌اندیشانه نیز تأکید داشت. این ملاحظه بر این مبنا استوار بود که هر یک از دو نوع مسئولیت ثانویه یا همزمان به واسطه ترغیب کردن دخالت دولت‌های عضو، با استقلال سازمان‌های بین‌المللی تداخل می‌کند.<sup>۸</sup>

این ملاحظه مصلحت‌اندیشانه در مکتوبات مربوط به مسئولیت همزمان و ثانویه چنان مکرر مورد اشاره قرار گرفته که تقریباً به صورت امری بدیهی درآمده است.<sup>۹</sup> در ضمن چنین ملاحظه مصلحت‌اندیشانه‌ای، این نگرانی نیز مطرح است که مسئولیت ثانویه و یا مسئولیت همزمان، شخصیت مجزای سازمان‌های بین‌المللی را تضعیف می‌کند. هدف این نوشتار، بررسی این مطلب است که آیا این ملاحظات مصلحت‌اندیشانه مبنایی منطقی برای رد مسئولیت ثانویه و همزمان به وجود می‌آورند؟ قسمت نخست این نوشتار مفهوم مسئولیت همزمان و ثانویه و تمایز این

6. ر.ک: دومین گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) درباره «مسئولیت سازمان‌ها بین‌المللی»: U.N. Doc. A/CN.4/54 (Apr. 2, 2004) (prepared by Giorgio Gja) [hereinafter Second Report of Special Rapporteur Gaja], para. 6.

7. ILC July 19 Report, *supra* note 5.

8. چهارمین گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد «مسئولیت سازمان‌ها بین‌المللی»: Addendum, 94, U.N. Doc. A/CN.4.564/Add.2 (Apr. 20, 2006) (Prepared by Giorgio Gaja, Special Rapporteur) [hereinafter fourth report of special Rapporteur Gaja].

9. See *infra* text accompanying notes 34-42.

مفاهیم از دیگر شکل‌های مسئولیت را که ممکن است در اثر اعمال یک سازمان بین‌المللی به یک دولت منتسب گردد روشن می‌سازد. قسمت دوم دیدگاه صاحب‌نظرانی را برمی‌شمرد که ادعا کرده‌اند، هر یک از دو نوع مسئولیت ثانویه یا همزمان برای شخصیت مجزا و مستقل سازمان‌های بین‌المللی زیانبار خواهد بود. قسمت سوم اثبات می‌کند که در میزان تأثیرگذاری مسئولیت همزمان و ثانوی دولت‌های عضو بر شخصیت یا استقلال سازمان‌های بین‌المللی اغراق شده است. البته از چنین نتیجه‌ای، لزوم به رسمیت شناخته شدن اصل کلی مسئولیت دولت‌های عضو در حقوق بین‌الملل استنباط نمی‌شود. با این حال نباید اجازه داد که ادعاهای اثبات نشده درباره لطمه‌ای که مسئولیت ثانوی یا همزمان دولت‌های عضو بر شخصیت یا استقلال سازمان‌های بین‌المللی وارد می‌کند بررسی‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دهد.

### 1. تعریف و تمایز مسئولیت همزمان و ثانویه:

از زمان تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری<sup>۱۱</sup> در قضیه جبران خسارت<sup>۱۱</sup> این مطلب پذیرفته شده است که سازمان بین‌المللی در حقوق بین‌الملل می‌تواند شخصیت حقوقی مستقل از شخصیت دولت‌های عضو آن سازمان داشته باشد.<sup>۱۲</sup> یکی از نتایجی که از این شخصیت مستقل حاصل می‌گردد این است که سازمان بین‌المللی ممکن است طبق قواعد حقوق بین‌الملل به دلیل عمل خود آن سازمان مسئول شناخته شود.<sup>۱۳</sup> اما این موضوع به خودی خود، امکان این که دولت‌های عضو، مسئولیت همان اعمال سازمان را متحمل شوند، نفی نمی‌کند.<sup>۱۴</sup> موضوع مسئولیت ثانویه یا همزمان دولت‌های عضو از قلمرو مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت دولت‌ها خارج می‌گردد. ماده 57 بیان می‌دارد که «مواد این

10. International Court of Justice

11. Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, Advisory Opinion, 1949 I.C.J. 174 (Apr.11).

12. C.F. Amerasinghe *Principles of the Institutional Law of International Organizations*, 68 (2d ed. 2005); Jan Klabbers, *An Introduction to International Institutional Law*, 57 (2002); Philippe Sands & Pierre Klein Bowets, *Law of International Institutions*, 469 (5th ed. 2001); Henry G. Schermers & Niels M. Blokker, *Law of International Organizations*, 990 (4th ed. 2003); N.D. White, *Law of International Organizations*, 27(1996).

13. Amerasinghe, *Supra* note 12, at 399; Klabbers, *supra* note 12, at 306; sands & Kiein, *supra* note 12 at 513; Schermers & Blokker, *supra* note 12, at 1006.

14. Second Report of Special Rapporteur Gaja, *supra* note 6, 6-7;

مؤسسه حقوق بین‌الملل، «پیامدهای قانونی عدم اجرای تعهدات توسط سازمان‌ها بین‌المللی در قبال شخص ثالث برای کشورهای عضو».

66 -I Y.B. Inst. Int'l Law 249. 257(1997) (Higgins, Preliminary Report).

پیش‌نویس به هر موضوع مربوط به مسئولیت... هر دولت که از رفتار یک سازمان بین‌المللی ناشی می‌گردد، لطمه‌ای وارد نمی‌سازد».<sup>۱۵</sup> چنین تلقی می‌شد که این موضوع مسائلی ذاتاً بحث‌انگیز را در خصوص کارکرد سازمان‌های بین‌المللی و روابط بین‌اعضای آن‌ها مطرح می‌کند،<sup>۱۶</sup> لذا وقتی کار راجع به مواد پیش‌نویس مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی آغاز گردید، کمیسیون حقوق بین‌الملل بحث بر سر این موضوع را تا ماه می 2002 به تعویق انداخت.<sup>۱۷</sup> کارگروه به شرح این مسأله پرداخت که آیا ممکن است دولت‌های عضو سازمان بین‌المللی در قبال عمل آن سازمان مسئول باشند و این احتمالاً بحث‌انگیزترین موضوع تحت بررسی بود.<sup>۱۸</sup> گزارشگر ویژه در گزارش چهارم خود<sup>۱۹</sup> به موضوع مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال سازمان‌های بین‌المللی پرداخت که در ژوئیه 2006، به پذیرش مواد 30-25 این گزارش در کمیته پیش‌نویس منتهی گردید.<sup>۲۰</sup> دو دسته تحلیل متمایز در این مواد از پیش‌نویس رخ نمود که برطبق هر یک از آن دو می‌توان دولت عضو را به واسطه اعمالی که سازمان بین‌المللی برعهده گرفته یا درگیر آن شده است مسئول شناخت. دسته اول در جایی مطرح می‌گردد که عمل سازمان در نتیجه قواعد کلی انتساب در حقوق بین‌الملل به دولت عضو قابل انتساب است. دسته دوم مربوط به حالتی است که خود دولت عضو به موازات عمل سازمان، مرتکب عمل متخلفانه می‌گردد. در این مواد از پیش‌نویس به هیچ‌عنوان از اصل کلی مسئولیت همزمان یا ثانویه حمایت نشده است و این عدم حمایت را می‌توان به‌عنوان اثبات ضمنی عدم وجود چنین اصلی تلقی کرد. بحثی که در ادامه خواهد آمد تعریفی کاربردی از مسئولیت همزمان و ثانویه ارائه کرده، تمایزی آشکار را بین آن دو دسته مسئولیت که از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده با مسئولیت همزمان و ثانویه بیان خواهد داشت.

- 15.** مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی که در سال 2001 به وسیله کمیسیون حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است، رجوع کنید به: ILC, *Report on the work of its fifty – Third Session*, 76, U.N. Doc. A/56/10 (Apr.23- June 1 and July 2-Aug. 10 2001) [ hereinafter ILC Articles on state Responsibility].
- 16.** James Crawford, *The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text, and commentaries* 311(2002).
- 17.** ILC, *Report on the Work of Its Fifty-Fourth Session*, 462,U.N.Doc. A/57/10 (Apr.29-Jun 7 and July 22 – Aug. 16, 2002).
- 18.** گزارش کارگروه کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت سازمان‌ها بین‌المللی: 17,U.N.Doc. A/ CN. 4.L. 622 (June 6, 2002); همچنین رجوع کنید به: دومین گزارش گزارشگر ویژه «گایا». *supra* note 6, 6.
- 19.** Fourth Report of Special Rapporteur Gaja , *Supra* note 8.
- 20.** See ILC July 19 Report, *Supra* note 5.

## الف) مسؤلیت همزمان و ثانویه

برخلاف دو دسته مسؤلیتی که در کمیسیون حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شد، مسؤلیت همزمان و ثانویه نشأت گرفته از رفتار خاصی از جانب دولت‌ها نیست. ایجاد این دو شکل از مسؤلیت، چنانچه در حقوق بین‌الملل وجود داشته باشند، تنها مستلزم عضویت دولت در سازمان بین‌المللی است. چنین گفته می‌شود که دولت‌های عضوی که از فعالیت‌های سازمان سود می‌برند باید بار پاسخگویی در قبال طرف‌های ثالثی را که از عمل متخلفانه سازمان زیان دیده نیز بر دوش بکشند.<sup>۲۱</sup> در مورد مسؤلیت ثانوی، طرف ثالثی که ادعایی حقوقی علیه سازمان بین‌المللی دارد، ابتدا باید جبران خسارت خود را از سازمان پیگیری کند. تنها در صورتی که سازمان در اجرای تعهدش قصور کند طرف ثالث خواهد توانست حقی را علیه هر یک از دولت‌های عضو یا هم‌ه آن‌ها اعمال کند؛ اما در مسؤلیت همزمان، شخص ثالث خسارت دیده می‌تواند جبران خسارتش را، به انتخاب خود، از سازمان یا دولت‌های عضو بخواهد.<sup>۲۲</sup> این دو نوع مسؤلیت با این که از لحاظ مفهومی متمایزند، ولی دارای یک ویژگی مشترک هستند که این وجه مشترک، تحمیل مسؤلیت مطلق عمل متخلفان سازمان بین‌المللی بر دولت‌های عضو است.

موضوع مسؤلیت دولت‌های عضو در قبال اعمال سازمان بین‌المللی در دعوی علیه سازمان آتلانتیک شمالی به دلیل بمباران جمهوری فدرال یوگسلاوی در سال 1999 مطرح گردید. یوگسلاوی<sup>۲۳</sup> در عکس‌العمل به بمباران، دعوی را علیه دولت‌های عضو راتو در دیوان بین‌المللی

21. *Westland Helicopters Ltd. v. Arab Org. for Industrialization*, 80. I.L.R. 595, 613 (ICC Int'l Ct. of Arb. 1982).

رجوع کنید به:

Ignaz Seidl – Hohenveldern, *Corporations In and under International Law*, 119-20 (1987) [hereinafter seidl – Hohenveldern (1987)];

Inaz seidl – Hohenveldern, *Liability of Member States for Acts or Omissions of an International Organization*, in Liber Aicorum Ibrahim F.I. Shihata., *International Finance and Development Law*, 727, 739 (sabine schlemmer- Schulte & KO- Yung Tung eds., 2001) [hereinafter Seidl – Hohenveldern (2001)].

22. این تعاریف از مسؤلیت همزمان و ثانوی برگرفته از فرمولی است که در بند 2(b) پیش نویس موادی که به وسیله مؤسسه حقوق بین‌الملل در سال 1996 پذیرفته شده است وجود دارد. در این مواد از پیش نویس اصطلاح «مسؤلیت تبعی» بیش از «مسؤلیت ثانوی» استفاده شده است.

پیمادهای قانونی عدم اجرای تعهدات توسط سازمان‌ها بین‌المللی در قبال شخص ثالث برای Inst. of Int'l Law (resolution adopted) (1995) 445, 446. Int 11. 445, 446 (1995) II Y.B. inst. Int 11. 445, 446 (1995) (کشورهای عضو)

برای ملاحظه یک بحث مفهومی درباره مسؤلیت ثانوی و همزمان رجوع کنید به:

Moshe Hirsch, *The Responsibility of International Organizations Toward Third Parties: Some Basic Principles* 137-39 (1995); Klabbbers, *supra* note 12, at 311-12.

23. در 4 فوریه 2003، جمهوری فدرال یوگسلاوی به‌طور رسمی به «صربستان» و «مونتنگرو» تغییر نام یافت. رجوع کنید به:

دادگستری مطرح و ادعا کرد که این دولت ها به صورت غیر قانونی از زور اس تفاده کرده اند . یوگسلاوی مدعی شد که دولت های عضو ناتو «مشترکاً و منفرداً در قبال عمل سازمان فرماندهی نظامی ناتو مسئول هستند». لذا این سؤال به درستی در این پرونده مطرح گردید که حتی در صورتی که هیچ دولتی به طور مستقیم در بمباران شرکت نکرده باشد آیا می توان هر یک از دولت های عضو را در قبال عمل سازمان مسئول شناخت؟ کانادا که در بمباران شرکت نکرده بود، در دفاعی که به صورت شفاهی ارائه شد، استدلال کرد که مسئولیت انفرادی و مشترک در قبال اعمال سازمان بین المللی یا اعمالی که از سوی دولت های دیگر در این سازمان انجام می گیرد، وجود ندارد، مگر این که معاهده ذی ربط چنین مسئولیتی را پیش بینی کرده باشد . در اواخر سال 2004، دیوان بین المللی دادگستری دعوا را به سبب فقدان صلاحیت رد کرد و این فرصت برای شفاف سازی مقتدرانه در موضوعات مربوط به مسئولیت از دست رفت.<sup>۲۴</sup>

با این حال، پرونده مذکور اهمیت بالقوه مباحث مربوط به مسئولیت همزمان و ثانویه را روشن ساخت. مباحثی از این دست را می توان در رابطه با بسیاری دیگر از سازمان های بین المللی مطرح ساخت. برای نمونه می توان از سازمان ملل متحد در زمینه عملیات حافظ صلح این سازمان یاد کرد.<sup>۲۵</sup> تقسیم مسئولیت بین یک سازمان بین المللی و دولت های عضو آن ممکن است در جایی صورت گیرد که سازمان به طور مسامحه کارانه سبب مرگ، صدمه یا تخریب اموال می شود.<sup>۲۶</sup> همچنین مسئولیت همزمان و ثانویه ممکن است وقتی مطرح شود که سازمان بین المللی در راستای فعالیت هایش به طرف های ثالث مدیون می گردد. بسیاری از سازمان های بین المللی با هدف تجارت کالاهای مختلف یا تأمین منابع مالی تأسیس شده اند. وقتی چنین سازمان هایی پس از مدیون شدن به دول یا اشخاص خصوصی ثالث، منابع مالی لازم برای اجرای تعهداتشان را نداشته باشند، این سؤال مطرح می شود که آیا بستانکاران می توانند در صدد مطالب ه جبران خسارت خود از دولت های عضو برآیند؟

Legality of Use of Force, Preliminary Objections (*Serb. & Mont. v. Can*(Canada)) (judgment of Dec. 15, 2004); 24. available at <http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/iyca/iycaframe.htm> (last visited mar 18, 2007).

24. Legality of Use of Force, Preliminary Objections (*Serb. & Mont. v. Can*) .2004 . I.C.J 429 (Dec. 15), available at <http://www.icj-cij.org/docket/files/106/8454.pdf>.

25. رفتار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل به طور معمول به این سازمان منتسب می شود، نه به دولت های عضو. رجوع کنید به: گزارش دبیرکل درباره ابعاد اداری و بودجه ای تأمین مالی عملیات نیروهای حافظ صلح سازمان ملل: 7, delivered to the General assembly, U.N. Doc . A/51 / 389(Sept. 20, 1996).

26. See Schermers & Blokker, *supra* note 12 , at 1006 n.86.

اولین دعوی گزارش شده در این موضوع در رابطه با «سازمان صنعتی سازی عرب»<sup>۲۷</sup> است . این سازمان در سال 1975 از سوی امارات متحده عربی، عربستان سعودی، قطر و مصر با موضوع توسعه صنایع نظامی تأسیس شد.

سازمان صنعتی سازی عرب موافقتنامه ای را «با شرکت هلیکوپترسازی وست لند» منعقد کرد که براساس آن، یک شرکت سهامی به منظور ساخت و فروش هلیکوپترهای تولید شده توسط «وست لند» تأسیس کنند. در این موافقتنامه، شرطی وجود داشت که طرفین را ملزم به ارجاع هر اختلافی به داوری می کرد. در سال 1979، در پی انعقاد معاهده صلح بین اسرائیل و مصر، کشورهای عضو اعلام داشتند که فعالیت این سازمان متوقف خواهد شد. لذا «وست لند» با ثبت یک تقاضای داوری که خواندگان آن سازمان صنعتی سازی عرب و چهار دولت عضو بودند مبلغ 126 /000/000 پوند را به عنوان خسارت مطالبه کرد. دیوان داوری چنین مقرر داشت: درحالی که سازمان صنعتی سازی عرب دارای شخصیت حقوقی است،<sup>۲۸</sup> فقدان شرطی در سند مؤسس آن که مسئولیت را از دولت های عضو سلب کند بدان معنا است که این دولت ها طبق اصول کلی حقوقی مسئول هستند.<sup>۲۹</sup> در پی تجدید نظرخواهی مصر از دیوان دادگستری ژنو، این دیوان رأی داد که دیوان داوری نسبت به دولت های عضو فاقد صلاحیت است ؛ چرا که آنان موافقتنامه داوری را امضا نکرده بودند.<sup>۳۰</sup> رأی این دیوان در تجدیدنظر به وسیله دیوان عالی فدرال ابرام شد. دیوان عالی بیان داشت که: «استقلال حقوقی کامل» سازمان صنعتی سازی عرب این امکان را که بتوان مسئولیت اقدامات این سازمان را متوجه کشورهای عضو کرد منتفی می سازد.<sup>۳۱</sup>

در سال 1985 به دنبال فروپاشی شورای بین المللی قلع<sup>۳۲</sup> دعوی مشابهی در دادگاه انگلیس اقامه شد. شورای قلع بین المللی بر پایه ششمین موافقتنامه قلع بین المللی به منظور جلوگیری از نوسان بیش از حد در قیمت جهانی قلع به وجود آمد. ساز و کار اصلی تنظیم قیمت ها در این شورا حفظ یک «سهام محافظ» بود که تأمین مالی آن از طریق پرداخت های مشارکتی کشورهای عضو و نیز اخذ وام از بانک ها صورت گرفت. وقتی سرمایه های سیستم «سهام محافظ» دچار کمبود گردید، شورای قلع بین المللی با 900 میلیون پوند بدهی مواجه شد و

27. Arab Organization for Industrialization (AOI)

28. Westland Helicopters Ltd. v. Arab Org. for Industrialization. 80 I.L.R. 595, 611 (ICC Int'l Ct. of Arb. 1982).

29. *Id.* at 613.

30. Arab Org. for Industrialization .v. Westland Helicopters Ltd., 80 I.L.R. 622, 640-41 (Ct. of Justice of Geneva 1987) (Switz).

31. Westland Helicopters Ltd .v. Arab Org. for Industrialization. 80 I.L.R. 652 , 658(Fed . Sup. Ct. 1988) (Switz).

32. International Tin Council (ITC)

طلبکاران درصدد برآمدند در میان طرق مختلفی که برای جبران خسارت آن‌ها در پیش روی‌شان قرار داشت، بدهی‌های شورای قلع بین‌المللی را از کشورهای عضو آن مطالبه کنند. دو تن از قضات دادگاه عالی، قانون انگلیس را بر دعوا حاکم دانستند و نیز مقرر داشتند که شخصیت مجزای شورای قلع بین‌المللی از دولت‌های عضو، این دولت‌ها را از تحمل مسئولیت مصون می‌دارد.

در مقابل، در دادگاه استیناف بحث گسترده‌ای درخصوص مسئولیت همزمان و ثانویه در حقوق بین‌الملل مطرح بود.<sup>۳۳</sup> لرد «کر» پس از بررسی منابع، بیان داشت که به‌طور واضح «روی قضایی مسلمی»<sup>۳۴</sup> وجود ندارد و دادگاه‌های انگلیس نمی‌توانند قانونی وضع کنند که قواعد مسئولیت در حقوق بین‌الملل را ایجاد کند.<sup>۳۵</sup> لرد «رالف گیبسون» دیدگاه مناسب‌تر را این دانست که شخصیت مجزای شورای قلع بین‌المللی از دولت‌های عضو، این دولت‌ها را از مسئولیت مبرا می‌سازد.<sup>۳۶</sup> لرد نورس با اتخاذ نظری مخالف استدلال کرد که مطابق اصول حقوق بین‌الملل، دولت‌های عضو منفرداً و مشترکاً مسئول هستند.<sup>۳۷</sup> مجلس اعیان<sup>۳۸</sup> به این دیدگاه بازگشت که قانون انگلیس بر دعوا حاکمیت دارد و نمی‌توان دولت‌های عضو را در قبال اقدامات سازمانی که دارای شخصیتی مستقل است، مسئول شناخت.<sup>۳۹</sup> لرد «اولیور» از نظر حقوق بین‌الملل تنها این نکته را ذکر کرد که به‌طور کلی مکتوبات حقوقدانان بین‌المللی، هیچ قاعده پذیرفته شده‌ای را درباره مسئولیت همزمان و ثانوی در بر ندارد.<sup>۴۰</sup>

پرونده‌های شورای قلع بین‌المللی و سازمان صنعتی‌سازی عرب، فقدان وفاق عام میان مراجع داوری و قضایی را در رابطه با مسئولیت همزمان و ثانویه نشان می‌دهد و اهمیت بالقوه بحث‌هایی را که شامل این موضوعات است پررنگ می‌سازد. برای فهم قلمرو اختلاف یک مطلب اساسی وجود دارد و آن این است که مسئولیت همزمان و ثانویه را از اشکال دیگر مسئولیت که در اثر اقدامات سازمان بین‌المللی ممکن است گریبان‌گیر یک دولت گردد، تشخیص دهیم. برای این که یک دولت مشمول یکی از دو نوع مسئولیتی شود که ذیلاً مورد بحث قرار خواهد گرفت، باید فراتر از صرف عضویت در عمل درگیر باشد. در مقابل، اگر قرار باشد مسئولیت

33. *Maclaine Watson & Co. Ltd. v. Dept. of Trade & Indus.*, [1988] 3 All E.R. 257 (A.C.)(Eng.).

34. *Id.* at 306.

35. *Id.* at 307.

36. *Id.* at 353.

37. *Id.* at 332-34.

38. *J.H. Rayner (Mincing Lane) Ltd. v. Dep't of Trade & Indus.*, [1990] 2 A.C. 418(H.L.) (Eng.).

39. *Id.* at 482 (Lord Templeman); *Id.* at 507 (Lord Oliver). Lords Griffith, Keith, and Brandon concurred.

40. *Id.* at 512-13 (Lord Oliver); *see also Id.* at 480 (Lord Templeman).



همزمان یا ثانویه به عنوان یک اصل حقوق بین الملل به رسمیت شناخته شو د، در این صورت ، مسئولیت بدون هرگونه رفتار اضافی از سوی کشورهای عضو بر آن ها تحمیل می گردد.

### ب) انتساب در حقوق بین الملل عرفی

مسئولیت همزمان و ثانویه از شمول مواد پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت خارج شد. با این حال می توان این مواد را در جا بیی که عمل یک سازمان بین المللی با استناد به قواعد حقوق عرفی جاری در انتساب، قابل انتساب به یک دولت است اعمال کرد.<sup>41</sup> در هنگام تهیه مواد پیش نویس در زمینه مسئولیت سازمان های بین المللی، کمیته تهیه پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل یا کمیسیون حقوق بین الملل این مطلب را که مقررات پیش نویس، مباحث مربوط به انتساب را صریحاً دربرگیری رد، مفید تلقی کرد. در بخش عمده ای از مواد پیش نویس، قواعد کلی انتساب در مورد وضعیت خاص اعمال ارتكابی از سوی سازمان های بین المللی به کار رفته است. جالب توجه این که همه اشکال مسئولیت به رسمی ت شناخته شده در مواد پیش نویس، عمل مثبتی (انجام فعل) از سوی دولت را مدنظر قرار می دهند. ماده 26 پیش نویس، دولت را وقتی مسئول معرفی می کند که آن دولت عملی را که یک سازمان بین المللی مرتکب می گردد، هدایت و کنترل کند. همچنین ماده 27، دولتی را که یک سازمان بین المللی را مجبور به عملی می کند، مسئول اعمال ناشی از آن اجبار می شناسد. این مواد از پیش نویس بیانی روشن از این قاعده را ارائه می کنند که رفتار یک نهاد در صورتی قابل انتساب به دولت است که آن نهاد در انجام آن رفتار به دستور یا تحت هدایت یا کنترل آن دولت اقدام کرده باشد.<sup>42</sup> در قضیه نیکاراگوئه، دیوان بین المللی دادگستری حکم داد که این شکل از انتساب، مستلزم دلیلی است بر این که دولت «کنترلی مؤثر» بر طرف ثالث داشته، به گونه ای که آن طرف ثالث را در انجام آنچه ادعا می شود عمل متخلفانه است هدایت کرده است.<sup>43</sup> در شرایط طبیعی، سازمان بین المللی تحت هدایت یا کنترل دولت های عضو خود عمل نمی کند، چرا که اراده مجزای سازمان، معیاری مهم برای شخصیت مستقل سازمان است. با این حال ممکن است در شرایطی یک سازمان بین المللی تحت هدایت دولت یا گروهی از دولت ها عمل کند. برای نمونه، یک معاهده موقتی می تواند این امکان را به یک سازمان بین المللی بدهد که تعهداتی ویژه را از طرف دولت های عضو بر عهده گیرد. با توجه به این که ارتباط دولت های عضو در سازمان عمدتاً به وسیله سند مؤسس تعریف شده است، احتمال این که چنین معاهده ای بین یک سازمان

41. Crawford, *supra* note 16, at 311.

42. ILC Articles on State Responsibility, *supra* note 15, art. 8.

43. Military and paramilitary Activities (Nicar. v. U.S), 1986 I.C.J. 14, 65 (June 27).

بین‌المللی و یک دولت غیرعضو منعقد شده باشد، بیش‌تر است. معاهداتی با این ماهیت، انجام اعمال محدودی را به وسیله سازمان از طرف دولت‌های غیرعضو تسهیل خواهد کرد. وجود چنین توان بالقوه‌ای در یک سازمان بین‌المللی که قرار است تحت هدایت یا کنترل یک کشور غیرعضو عمل کند نشان می‌دهد که انتساب بر مبنای هدایت یا کنترل به ارتباط بنیادی بین سازمان و دولت وابسته نیست، بلکه منوط به شرایط عینی روشنی است که بر زمان وقوع رفتار مورد بحث حکومت دارد.

بخش «الف» از قسمت 1 ماده 29 مشخص می‌کند که می‌توان یک دولت را مسئول رفتار یک سازمان بین‌المللی دانست، اگر آن دولت مسئولیت را پذیرفته باشد. به نظر می‌رسد این یک نمونه ویژه از قاعده حقوق بین‌الملل عرفی باشد. اگر دولتی عملی را تصدیق کند و بپذیرد، ممکن است آن عمل به دولت مذکور قابل انتساب باشد.<sup>44</sup> براین مبنای انتساب نه تنها مستلزم تصدیق وضعیت عینی است، بلکه آن دولت خود را در رفتار مورد بحث دخیل می‌داند و آن را از آن خود می‌شمرد.<sup>45</sup> برای مثال، در قضیه کارکنان کنسولی و دیپلماتیک، جمهوری اسلامی ایران از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری مسئول اشغال سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان انقلابی شناخته شد، زیرا فیمانی صادر کرد که بر اعمال آن‌ها صحنه گذارده، آن را تأیید می‌کرد.<sup>46</sup> در این شکل از مسئولیت بین‌المللی، مسئولیت دولت‌ها نتیجه‌ای از رفتارشان در پذیرش عمل یا پذیرش مسئولیت خواهد بود و این مسئولیت صرفاً از عضویت دولت در سازمان نتیجه نمی‌شود.

شکل دیگری از انتساب را که در مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل ذکر شد می‌توان با مسئولیت به وجود آمده از عمل نهادی از دولت که در اختیار دولت دومی قرار گرفته است، مقایسه کرد. در این شکل از مسئولیت، به کار بردن عناصر اقتدار حاکمیتی دولت دوم، قابل انتساب به دولت دوم است.<sup>47</sup> با توسعه این نوع مسئولیت می‌توان چنین استدلال کرد که وقتی رفتار نهادی از یک سازمان بین‌المللی در اختیار یک دولت قرار می‌گیرد، به کار بردن عناصر اقتدار حاکمیتی دولت قابل انتساب به آن دولت خواهد بود. با این حال به دنبال داشتن چنین نتیجه‌ای قطعی نیست. اگر این موضوع را بپذیریم، انتساب از توافقی ناشی خواهد شد که به‌طور صریح یا ضمنی، بین دولت و سازمان برای استفاده دولت از ارگانی که در اختیارش قرار گرفته است، به وجود می‌آید. مسئولیت دولت به عمل آن دولت در استفاده از ارگانی که در اختیارش قرار گرفته وابسته است و عضویت در سازمان تنها تا جایی در به وجود آمدن چنین

44. ILC Articles on responsibility *supra* note 15, art. 11.

45. Crawford, *supra* note 16, at 123.

46. U.S. Diplomatic and Consular Staff in Tehran (*U.S. v. Iran*), 1980 I.C.J. 3,35 (May 24).

47. ILC Articles on State Responsibility, *supra* note 15, art. 6.

مسئولیتی مؤثر خواهد بود که زمینه‌های واقعی قرار دادن آن نهاد در اختیار دولت را فراهم آورده باشد.

### ج) عمل متخلفانه دولت

مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت دولت مقرر می‌دارد که یک دولت را می‌توان مسئول دانست اگر آن دولت به دولت دیگر در انجام یک عمل متخلفانه بین‌المللی کمک کند یا با آن دولت همدستی کند.<sup>48</sup> همچنین ماده 25 از مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت سازمان‌ها مقرر می‌دارد: دولتی که به یک سازمان بین‌المللی در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی کمک کند یا با او همدستی کند در قبال این عمل مسئول است. شکی نیست که وقتی یک دولت به همراه یک سازمان بین‌المللی، عملی را مرتکب شود که در سطح بین‌المللی متخلفانه تلقی می‌گردد، می‌توان دولت مذکور را برای شرکت در آن عمل مسئول شناخت.<sup>49</sup> در چنین مواردی، مسئولیت دولت به دلیل عمل سازمان بین‌المللی نیست، بلکه به دلیل رفتار خود دولت است.

به‌علاوه، ماده 28 پیش‌نویس مقرر می‌دارد که یک دولت وقتی متحمل مسئولیت بین‌المللی خواهد شد که برای خودداری از اجرای یک تعهد از طریق ایجاد صلاحیت برای یک سازمان بین‌المللی تلاش کند. دولت‌هایی که صلاحیت را به یک سازمان بین‌المللی انتقال می‌دهند، متعهدند توجه کافی را برای تضمین این که چنین انتقالی منجر به خودداری دولت از اجرای تعهداتش در حقوق بین‌الملل نمی‌گردد، مبذول دارند.<sup>50</sup> برای مثال در پرونده «ماتیو علیه انگلستان»<sup>51</sup> در نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر ادعا شد که انگلستان تعهد خود را به اعطای آزادی بیان در انتخابات مجلس نقض کرده است، چرا که این دولت شرکت شهروندان جبل الطارق در انتخابات پارلمان اروپایی را تضمین نکرد. انگلستان چنین استدلال کرد که استثنای شدن جبل الطارق (از شرکت کردن در پارلمان اروپا) در نتیجه تصمیمی بود که در شورای جامعه اروپایی گرفته شد و این تصمیم به هیچ‌یک از دولت‌های عضو قابل انتساب نیست.<sup>52</sup> دادگاه علیه انگلستان چنین حکمی را مقرر کرد که وقتی صلاحیت به یک سازمان بین‌المللی منتقل

48. ILC Articles on state Responsibility, *supra* note 15, art. 16.

49. اولین گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل مسئولیت سازمان‌ها بین‌المللی: 33, U.N. Doc. A/CN. 4/532(Mar. 26 , 2003) (*prepared by Giorgio Gaja*) [hereinafter first Report of Special Rapporteur Gaja]; Sands & Klein *supra* note 12, at 524.

50. Sands & Klenin, *supra* note 12, at 524-25.

51. *Matthews v. U.K.*, 1999-1 Eur. Ct. H.R. 253.

52. *Id.* at 264 -65.

می‌شود، مسئولیت دولت برای تأمین حقوقی که مورد حمایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هستند، تداوم می‌یابد.<sup>53</sup> در چنین موردی، مسئولیت دولت عضو، مشخصاً به دلیل عمل سازمان بین‌المللی نیست، بلکه به این دلیل است که آن دولت در تضمین این که انتقال قدرت به سازمان در تضاد با تعهدات بین‌المللی دولت‌ها نیست قصور کرده است.

در نهایت قسمت «ب» از بند 1 ماده 29، از مواد پیش‌نویس بیان می‌دارد که یک دولت عضو سازمان بین‌المللی، چنانچه زیان دیده را بدین سو هدایت کند که بر مسئولیت آن دولت تکیه کند، در قبال عمل متخلفانه سازمان مسئول است. به نظر می‌رسد این شکل از مسئولیت که در قسمت «ب» از بند 1 ماده 29 از مواد پیش‌نویس متبلور شده، برگرفته از قاعده «استاپل»<sup>54</sup> باشد. چهارمین گزارش گزارشگر ویژه گایا، بیان می‌دارد که تنها آن دسته از دولت‌ها ای عضو که رفتارشان موجب تکیه و اعتماد طرف زیان دیده شده، مسئول شناخته می‌شوند.<sup>55</sup> مسأله لاینحلی که در این حوزه وجود دارد این است که آیا مقررهای از سند مؤسس که بیان می‌دارد کشورهای عضو مسئول دیون سازمان هستند، می‌تواند مورد استناد طرف ثالث قرار گیرد؟ همچنین مشخص نیست آیا مقرراتی که بیان‌کننده عدم مسئولیت کشورهای عضو است در غلبه بر ادعای مسئولیتی که مبنای آن قسمت «ب» از بند 1 ماده 2 پیش‌نویس است، مؤثر خواهد بود؟ در هر یک از این موارد، این اشکال از مسئولیت به صرف عضویت در سازمان تحمیل نخواهد شد، بلکه در حقیقت از رفتار دولت عضوی ناشی می‌گردد که امر را بر طرف ثالثی مشتبه ساخته تا وی بر آن دولت عضو تکیه کند.

در هر یک از اشکال مسئولیت دولت که در کمیسیون حقوق بین‌الملل در نظر گرفته شده است، رفتاری از جانب دولت وجود دارد که تحمیل مسئولیت بر او را توجیه می‌کند. در مقابل، مسئولیت ثانویه و همزمان مستلزم هیچ رفتاری از جانب دولت عضو، غیر از پیوستن به سازمان نیست. اصولاً توجیه تحمیل شدن مسئولیت بر یک دولت در قبال رفتاری که آن دولت هیچ نقش مستقیمی در آن نداشته، مشکل است. این دلیلی محکم بر رد اصل کلی مسئولیت ثانویه و همزمان است. با این حال، حقوقدانان بین‌المللی نگرانی دیگر خود را از این موضوع بیان می‌دارند که مسئولیت ثانویه و همزمان به شخصیت مجزا و استقلال سازمان‌های بین‌المللی لطمه می‌زند. قسمت بعد چگونگی این نگرانی مصلحت‌اندیشانه مفسران را نشان می‌دهد. قسمت سوم توضیح می‌دهد که چرا این نگرانی‌ها اغراق‌آمیز هستند و نباید قسمتی از فرایند و جریانات

53. *Id.* at 265; see also Waite and Kennedy v. Germany, 1999 – I Eur. Ct. H.R. 393, 410.

54. See Ian Brownlie, Principles of Public International Law, 615 – 16 (6th ed. 2003); Derek W. Bowett, Estoppel Before International Tribunals and Its Relation to Acquiescence, 33 Brit. Y.B. Int'l L. 179 (1957).

55. Fourth Report of Special Rapporteur Gaja, *supra* note 8, 93.

کمیسیون حقوق بین‌الملل به هنگام تدوین حقوق حاکم بر مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را شکل دهد.

## 2. نگرانی‌ها دربارهٔ شخصیت و استقلال سازمان‌های بین‌المللی

از سال 1996، سه نهاد حقوقی بین‌المللی به موضوع مسئولیت همزمان و ثانوی دولت‌های عضو پرداخته و هر یک نگرانی خود را از این که مسئولیت همزمان یا ثانویه با شخصیت مجزای یک سازمان متناقض است یا استقلال یک سازمان را به واسطه برانگیختن دخالت دولت‌های عضو تضعیف می‌کند، بیان کرده‌اند. ابراز این نگرانی ابتدا توسط مؤسسه حقوق بین‌الملل صورت گرفت. منتقدان ضمن تأکید بر این مشکل از آن به‌عنوان مبنایی جهت رد مسئولیت دولت‌های عضو استفاده کرده‌اند. هدف این بخش، ارائه چکیده‌ای از نگرانی‌های ابراز شده به وسیله نهادهای بین‌المللی مختلف و منتقدان به منظور تسهیل بررسی مجدد این نگرانی‌ها است. بحث انتقادی مبسوطی از مباحث مربوط به شخصیت و استقلال در قسمت سوم آمده است.

در سال 1996، مؤسسه حقوق بین‌الملل، بعد از بررسی مستدل و طولانی موضوع مسئولیت همزمان و ثانوی، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که اشعار می‌داشت: «هیچ قاعده کلی بین‌المللی وجود ندارد که بر مبنای آن، دولت‌های عضو، صرفاً به دلیل ع‌ضویتشان، در قبال تعهدات سازمانی که در آن عضو هستند مسئول باشند».<sup>56</sup> کار مؤسسه از گزارش موقت گزارش‌گر ویژه (هیگینز) تأثیر فراوان پذیرفت.<sup>57</sup>

در بین عوامل بررسی شده توسط هیگینز دو ملاحظه منصفانه که در تعارض با یکدیگر بودند وجود داشت: اول) کارایی و عملکرد مستقل سازمان‌های بین‌المللی، دوم) حمایت از طرف‌های ثالث در قبال ورود ناروای ضرر و زیان.<sup>58</sup>

در ارتباط با استقلال سازمان‌های بین‌المللی، هیگینز اظهار داشت: این نگرانی که دولت‌های عضو با مسئولیت بالقوه در قبال خسارت‌های قراردادی یا آسیب خارج از قرارداد مواجه هستند در فواید تصمیم‌سازی سازمان‌ها دخالت می‌کند.<sup>59</sup> هیگینز ادامه می‌دهد:

«پی بردن به این که این درجه از کنترل و دخالتی که لازم است کنترل است چگونه با تداوم سازمان به‌عنوان نهادی که به‌واقع مستقل از دولت میزبان و سایر اعضا است، سازگار خواهد بود،

56. Inst. of Int'l Law, *supra* note 22, at 449, art 6(a).

57. Inst. of Int'l law, *supra* note 14, at 373 (Higgins, Provisional Report); see also *Id.* at 249 (Higgins, Preliminary Report).

58. *Id.* at 419 (Higgins, Provisional Report).

59. *Id.*

امری دشوار است. اگر اعضا در قبال کوتاهی‌های سازمان مسئول باشند، شخصیت مستقل سازمان باید به گونه‌ای فزاینده تصریحی باشد».<sup>۶۰</sup>

هیگینز چنین نتیجه گرفت که نباید تحمیل مسئولیت به دولت‌های عضو در قبال اعمال سازمان بین‌المللی، اصل کلی در حقوق بین‌الملل باشد.<sup>۶۱</sup> قطعنامه پذیرفته شده به وسیله مؤسسه حقوق بین‌الملل به «ملاحظات مهم مصلحت‌اندیشانه‌ای اشاره دارد که حمایت از اعتبار و عملکرد مستقل سازمان‌های بین‌المللی را در بر می‌گیرد».<sup>۶۲</sup> این ملاحظات جهت توجیه انکار قاعده ای جامع و کلی که مسئولیت تعهدات به وجود آمده به وسیله سازمان را بر دولت‌های عضو تحمیل می‌کند، بیان می‌گردد.<sup>۶۳</sup>

قطعنامه مؤسسه امکان مسئول قلمداد کردن دولت عضو را در قبال اعمال سازمان رد نکرده، ابتدائاً بیان می‌دارد که مسئولیت دولت‌های عضو، وابسته به قواعد سازمان است که این قواعد ره‌عاً در سند مؤسس سازمان یافت می‌شوند.<sup>۶۴</sup> در اکثر موارد، اسناد تأسیس سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با موضوع مسئولیت دولت‌های عضو در مقابل طرف‌های ثالث ساکت هستند. با این حال، اسناد تأسیس تعدادی از سازمان‌های مالی و تجاری شامل مقرراتی هستند که صراحتاً کشورهای عضو را از شمول مسئولیت در برابر طرف‌های ثالث خارج می‌کنند.<sup>۶۵</sup> از این رو، در چنین مواردی که در قواعد سازمان به مسئولیت دولت‌های عضو پرداخته می‌شود، به احتمال زیاد، نتیجه، تضییق مسئولیت است. طبق نظر مؤسسه حقوق بین‌الملل، یک دولت عضو را وقتی می‌توان مسئول شناخت که مسئولیت از سایر اصول حقوق بین‌الملل، مانند رضایت یا نمایندگی ناشی می‌شود،<sup>۶۶</sup> یا وقتی که شرایط در زمان عمل حقوقی، از جمله هرگونه مکاتبه بین یک دولت عضو و یک طرف ثالث، نشان بدهد که دولت عضو مسئولیت آن عمل را پذیرفته است.<sup>۶۷</sup>

60. *Id.*

61. *Id.*

62. Inst. of int'l law, *supra* note 22, at 451, art. 8.

63. *Id.*

64. *Id.* at 451, art 5(a).

65. برخی از نمونه‌های قابل توجه در مؤسسات گروه بانک جهانی عبارت است از: مواد موافقتنامه بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، (134 U.N.T.S. 2, 1440 Stat 27, 1945, Des. II(6) art. II(3), jan 26. 1960, 11 U.S.T. 2284, 439 U.N.T.S 249); مواد موافقتنامه انجمن بین‌المللی توسعه بین‌المللی (117 U.N.T.S. 264, 2197, 7 U.S.T. 2197, 1955, may 25, art. II(4) (art. II(4) may 25, 1955, 7 U.S.T. 2197, 264 U.N.T.S. 117); مواد موافقتنامه شرکت مالی بین‌المللی (1508 T.I.A.S. No. 12,089, 1508, 11 Oct. 1985, art. 8 (d) U.N.T.S.99).

66. Inst. of Int'l Law, *supra* note 22, at 449, art 5(b)- (c).

67. Inst. of Int'l law, *supra* note 22, at 451, art 9.

هنگامی که دو نهاد دیگر، موضوع مسئولیت همزمان و ثانویه را بررسی می کردند نیز انتقادات مصلحت‌اندیشانه مرتبط با شخصیت و استقلال سازمان‌های بین‌المللی توجه زیادی را به خود معطوف داشت.

گزارشگر ویژه، گایا، در چهارمین گزارش خود درباره مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، نگرانی‌های هیگینز را بدین گونه بیان کرد که مسئولیت ثانویه و همزمان، دولت‌های عضو را به مداخله در جریان تصمیم‌گیری سازمان‌های بین‌المللی ترغیب خواهد کرد.<sup>68</sup> این «دلیل مصلحت‌اندیشانه» بیان گردید تا خروج مسئولیت همزمان یا ثانویه از مواد پیش نویس را مورد حمایت قرار دهد.<sup>69</sup> به‌علاوه در سال 2004 انجمن حقوق بین‌الملل<sup>70</sup> نتایج مؤسسه حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت ثانوی و همزمان را در حالی تأیید کرد که پی‌برد تحقیق برای دستیابی به جزئیات بیش‌تر این موضوع برای انجمن حقوق بین‌الملل لازم نیست.<sup>71</sup> «ملاحظات مهم مصلحت‌اندیشانه‌ای» که حمایت از «اعتبار و عملکرد مستقل» سازمان‌های بین‌المللی را در برمی‌گیرد و مؤسسه حقوق بین‌الملل آن را بیان کرده بود، مورد اشاره انجمن حقوق بین‌الملل واقع شد.<sup>72</sup> انجمن حقوق بین‌الملل عقیده داشت که مؤسسه حقوق بین‌الملل، توازنی صحیح بین استقلال جریان تصمیم‌گیری در سازمان‌های بین‌المللی و ضرورت وجود پاسخگویی که از پذیرش مسئولیت‌شانه خالی نکند، ایجاد کرد.<sup>73</sup>

تحلیل هیگینز همچنین در بین نویسندگان آکادمیک نفوذ کرده است. برای مثال «ایگناس سیدل - هوهن فلدن»، که در سال 1996 در بررسی‌های مؤسسه حقوق بین‌الملل درباره موضوع مسئولیت دولت‌های عضو شرکت داشت، ابتدا این دیدگاه را بیان کرده بود که دولت‌های عضو به‌طور معمول در قبال اعمال یک سازمان بین‌المللی مشترکاً و منفرداً مسئول فرض می‌شوند.<sup>74</sup> وی پیش از این که تصدیق کند که ملاحظات مصلحت‌اندیشانه که از سوی هیگینز مورد تأکید قرار گرفته موجب تغییر فکرو او شده‌اند، در اکثر مباحثات مؤسسه حقوق

68. Fourth Report of Special Rapporteur Gaja, *supra* note 8, 94.

69. *Id.*

70. International Law Association (ILA).

71. ILA Report, *supra* note 5, at 197.

72. *Id.* at 210.

73. *Id.* at 210-11.

74. Seidl - Hohenfeldern (1987), *supra* note 21, at 121.

بین الملل<sup>۷۵</sup> موضع خود را حفظ کرده بود؛<sup>۷۶</sup> اما اخیراً این دیدگاه را پذیرفته که مسئولیت دولت‌های عضو، موضوعی است که در پرتو همه شرایط حاکم بر عمل حقوقی تعیین می‌گردد.<sup>۷۷</sup> به عقیده سیدل - هوهن فلدرن علت این تغییر در دیدگاه این بود که او قانع شده بود که مسئولیت همزمان یا ثانویه به بی‌طرفی سازمان‌های بین‌المللی خدشه وارد می‌کند.<sup>۷۸</sup> همچنین، «هنری اسکرمر» و «نیلز بلوکر» در نوشتاری جامع که در زمین ه سازمان‌های بین‌المللی به رشته تحریر درآوردند، به نقل اظهارات هیگینز در مورد اثر پذیرش مسئولیت همزمان یا ثانویه دولت‌های عضو در ایجاد یک شخصیت حقوقی مجزای غیرواقعی برای سازمان می‌پردازند.<sup>۷۹</sup> نویسندگان مذکور هیچ نظر قاطعی در مورد مسئولیت همزمان و ثانویه ابراز نکرده‌اند، اگرچه این عدم ابراز به خودی خود مهم است، چرا که اسکرمر پیش‌تر دیدگاهی قوی اتخاذ کرده بود که بر طبق آن، دولت‌های عضو نمی‌توانستند از مسئولیت ناشی از عمل یک سازمان بین‌المللی شانه خالی کنند. ویرایش سال 1980 از نوشتار او بیان می‌دارد که:

«ایجاد اشخاص حقوقی بین‌المللی به منظور محدود کردن مسئولیت انفرادی اعضا ی آن غیرممکن است. حتی اگر بتوان سازمان‌های بین‌المللی را، به‌عنوان اشخاص بین‌المللی، در قبال اعمالی که انجام می‌دهند مسئول شناخت این موضوع نمی‌تواند موجب شود که خود کشورهای عضو از مسئولیت ثانویه مستثنا گردند».<sup>۸۰</sup>

در مقابل، آخرین ویرایش از نوشتار مذکور از این موضع عقب‌نشینی کرده، و در عوض بیان می‌دارد که به‌عنوان یک قاعده کلی، اعمال سازمان‌های بین‌المللی را نمی‌توان به عنوان اعمال دولت‌های عضو تعریف کرد، چرا که در غیر این صورت، شخصیت سازمان نادیده انگاشته خواهد شد.<sup>۸۱</sup>

همچنین «سی.اف.امیراسیوگ» یکی از استادان برجسته حقوق بین‌الملل، این دیدگاه را اتخاذ کرده است که مسئولیت همزمان یا ثانویه دولت‌های عضو به استقلال و شخصیت سازمان‌های بین‌المللی صدمه وارد خواهد کرد. او می‌گوید: اگر دولت‌های عضو را با مسئولیت همزمان و ثانویه به‌عنوان یک امر مسلم حقوقی مواجه کنیم «ممکن است تلاش‌های‌شان به سمت کنترل روزانه اعمال حقوقی سازمان‌ها متمایل گردد، به‌گونه‌ای که به عملکرد روان سازمان به‌عنوان یک

75. Inst. of Int'l Law, *supra* note 14, at 369, 371 (Seidl – Hohenveldern commentary).

76. *Id.* at 433.

77. Seidl – Hohenveldern (2001), *supra* note 21, at 739.

78. Seidl – Hohenveldern (2001), *supra* note 21, at 738.

79. Schermers & Blokker, *supra* note 12, at 1008.

80. Henry G. Schermers International Institutional Law 780 (2d ed. 1980).

81. Schermers & Blokker, *supra* note 12, at 1007.



نهاد مستقل با هویتی جداگانه لطمه زده، در واقع آن را فلج کند<sup>۸۲</sup>. به علاوه، امراسینگ، استدلال می‌کند که دورنمای مسئولیت همزمان یا ثانویه، اکثر کشورها، به‌ویژه کشورهای فقیر را از عضو شدن در سازمان‌های بین‌المللی و مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی باز می‌دارد.<sup>۸۳</sup> در این دیدگاه، محدود کردن مسئولیت دولت‌های عضو این فایده عملی را در بردارد که همکاری بین‌المللی گسترده‌تر را به واسطه استفاده از سازمان‌های بین‌المللی ارتقا می‌بخشد.

ملاحظه مصلحت‌اندیشانه عمده‌ای که در مقابله با مصلحت حفظ شخصیت مجزا و استقلال سازمان‌های بین‌المللی وجود دارد، موضع طرف‌های ثالث است. عموماً بیش‌ترین ضرر از این نتیجه‌گیری که دولت‌های عضو در قبال اعمال متخلفانه سازمان‌های بین‌المللی مسئول نیستند متوجه طرف‌های ثالث می‌گردد. اگر دولت‌های عضو بتوانند با تکیه بر شخصیت مجزای یک سازمان بین‌المللی خود را از بر عهده گرفتن مسئولیت مصون دارند، هنگامی که سازمان بین‌المللی ابزار مالی لازم برای جبران خسارت وارد شده را از دست بدهد، خسارت طرف‌های ثالث عملاً جبران نخواهد شد. به‌علاوه اگر آن سازمان، مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی مربوط نباشد، شخص ثالث از وجود مرجعی که دعوی خود را نزد آن اقامه کند، محروم می‌گردد. به‌عنوان مثال از آن‌جا که تنها دولت‌ها می‌توانند طرفین پرونده‌های ترافیکی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری<sup>۸۴</sup> باشند، یک دولت زیان‌دیده برای پیگیری ادعایش علیه یک سازمان بین‌المللی، از امکان توسل به دیوان بین‌المللی دادگستری محروم می‌گردد. البته این مطلب روشن می‌سازد که چرا در پرونده «بمباران ناتو»، جمهوری فدرال یوگسلاوی، دعوی خود را برای دریافت غرامت علیه یکایک دولت‌های عضو مطرح کرد.

این‌گونه نظر داده شده است که طرف‌های ثالثی که قراردادی را با سازمان‌های بین‌المللی منعقد می‌کنند عموماً از اصل مسئولیت محدود مطلع بوده، سازمان را به‌عنوان مدیون می‌پذیرند و لذا حقی برای ادعای جبران خسارت علیه دول عضو ندارند.<sup>۸۵</sup> با این حال، این سؤال که آیا طرف ثالث با علم به اصل مذکور، صرفاً می‌تواند جبران خسارت را از سازمان مطالبه کند، موضوعی است که به اوضاع و احوال حاکم بر زمان قرارداد بستگی دارد؛ خواه این علم حقیقتاً وجود داشته باشد و خواه از اوضاع و احوال استنباط گردد. وقتی سند تأسیس صراحتاً دولت‌های عضو را از

---

82. *C.f.* Amerasinghe, Liability to Third Parties of Member States of International Organizations: Practice, Principle and Judicial Precedent, 85 Am. J. Int'l L. 259, 278 (1991); see also Amerasinghe, *supra* note 12, at 442.

83. Amerasinghe *supra* note 12, at 443.

84. Statute of the International Court of Justice art 34(1), June 26, 1945, 59 Stat 1055, 33 U.N.T.S. 993.

85. Amerasinghe, *supra* note 12, at 441.

شمول مسئولیت خارج می‌سازد، ممکن است شرط آگاهی لازم وجود داشته باشد.<sup>86</sup> با این حال، چنین استدلالی، در زمانی که طرف ثالثی که قبلاً مناسباتی با سازمان نداشته است ادعای وارد آمدن خسارت در نتیجه رفتار مجرمانه یا شبه جرم سازمان می‌نماید، قانع کننده نیست. بر این اساس، این گونه نظر داده شده که باید بین طرف‌های ثالثی که از روی اخ تیار وارد قرارداد با سازمان شده‌اند و شخص ثالث غیر مختار تمایز قائل شویم. در رابطه با گروه اول باید مطالبه جبران خسارت را تنها به سازمان محدود کرد و برای گروه دوم باید این حق را قائل شد که وقتی تقصیری از سازمان سر می‌زند، علیه دول عضو اقدام کنند.<sup>87</sup>

استدلال بر پایه مصلحت در این حوزه از حقوق بین الملل، همانند بیش تر حوزه های دیگر، بی‌نهایت پیچیده است. خانم هیگینز در گزارش مقدماتی خود به مؤسسه حقوق بین الملل بیان می‌دارد: «درحالی که من نگرستن به ملاحظات مصلحت اندیشانه را کاملاً متناسب ارزیابی می‌کنم، برای من کاملاً روشن نیست که این ملاحظات لزوماً بتوانند ما را به راهبردی ویژه رهنمون سازند که جایگزین روش‌های دیگر شود».<sup>88</sup> هرچند کار گروه کمیسیون حقوق بین الملل در رابطه با مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، نتیجه‌گیری‌اش در مورد موضوع مسئولیت ثانویه و همزمان را انحصاراً بر پایه ملاحظات مصلحت‌اندیشانه تبیین نکرده است، ولی نباید این موضوع را از نظر دور داشت که نگرانی در مورد شخصیت مجزا و مستقل سازمان‌های بین‌المللی، عامل مهمی است که ذهن بررسی‌کنندگان قواعد حاکم بر مسئولیت دولت‌های عضو را به خود مشغول کرده است.

پیش از بررسی این موضوع که آیا این نگرانی‌ها مسامح و جا افتاده هستند یا خیر، تفکیک قائل شدن بین انواع مختلف از نگرانی‌هایی که توسط مفسران حقوق بین الملل بیان شده، مفید است. اول) نظریه‌ای وجود دارد که بر مبنای آن، مسئولیت ثانویه و همزمان با این اصل حقوقی کاملاً به رسمیت شناخته شده که سازمان بین‌المللی شخصیتی مجزا از دول عضو خود دارد، متناقض است و به این اصل لطمه می‌زند. دوم) این گونه استدلال می‌شود که دولت‌های عضوی که با دورنمایی از مسئولیت مواجه می‌گردند در اعمال سازمان‌های بین‌المللی دخالت کرده، با این عمل، استقلال و بی‌طرفی سازمان‌ها را از بین می‌برند. نگرانی دوم، نگرانی اول را نیز در پی خواهد داشت؛ چرا که استقلال یک سازمان ممکن است تا آنجا کاهش یابد که شخصی ت مجزایی برایش باقی نماند. به‌رحال فقدان استقلال اهمیت بیش تری دارد، زیرا این موضوع

86. Inst. of int'l law, *supra* note 14, at 369 (Seidl - Hohenveldein commentary).

87. Hirsch, *supra* note 22, at 163-68.

88. Inst. of Int'l Law, *supra* note 14, at 288 (Higgins, Preliminary Report).

با این حال این شروط از گزارش موقت برداشته شد.

کارایی سازمان و اثر آن را به‌عنوان ابزار همکاری بین‌المللی کاهش می‌دهد. نگرانی در خصوص اثر عدم استقلال سازمان بر روابط بین‌المللی، این نظریه را در پی داشته است که فقدان استقلال، دولت‌ها را از مشارکت به‌عنوان اعضای سازمان‌های بین‌المللی باز خواهد داشت. در بخش سوم مقاله حاضر، این نگرانی‌ها را از مباحث گسترده‌تر در خصوص مسئولیت همزمان و ثانویه جدا ساخته، هریک از استدلال‌ها را در جای خود مورد بررسی قرار می‌دهد.

### 3. نقد مفسران: نگرانی‌های مطرح شده

#### الف) مسئولیت دولت‌های عضو با شخصیت مجزای یک سازمان بین‌المللی در تناقض نیست

اولین نگرانی این است که مسئولیت همزمان و ثانویه با این اصل حقوقی کاملاً به رسمیت شناخته شده که سازمان بین‌المللی شخصیتی مجزا از دول عضو خود دارد، متناقض است و به این اصل لطمه می‌زند. اگرچه هیچ مفسری در این باره که چرا مسئولیت همزمان یا مسئولیت ثانویه با شخصیت مجزای سازمان در تناقض است، به‌طور اجمالی یا تفصیلی، توضیحی نداده،<sup>89</sup> لکن وجود چنین فرضی در تعدادی از نوشته‌ها هویدا است، نوشته‌هایی که مدعی اند شخصیت مجزا با وجود هریک از دو شکل مسئولیت همزمان یا ثانویه بی‌مصرف می‌شود<sup>90</sup> یا به صورتی ساختگی و غیرواقعی<sup>91</sup> درمی‌آید. با این حال، این نظریه که مسئولیت مجزای سازمان با مسئولیت همزمان یا ثانویه دولت‌های عضو متناقض است از استحکام چندانی برخوردار نیست. پیش‌فرض مفاهیم مسئولیت ثانویه و همزمان، این است که سازمان در قبال اعمال خود مسئول است. ظرفیت مسئول شناختن طبق حقوق بین‌الملل تابعی از شخصیت حقوقی است و نتیجتاً مفاهیم مسئولیت همزمان و ثانویه بدون این که مسئولیت مجزا را تضعیف کنند پذیرای آن خواهند بود. یک بررسی مختصر درباره اصل شخصیت مجزا و ارتباط آن با مسئولیت، این نکته را اثبات خواهد کرد.

در ابتدا لازم است بین شخصیت در حقوق داخلی دولت‌های عضو و شخصیت در حقوق بین‌الملل تمایز قائل شویم. اسناد تأسیس سازمان‌های بین‌المللی متعدد، در بر دارند ه مقرراتی است که در حقوق داخلی دولت‌های عضو به سازمان‌ها شخصیت اعطا می‌کند.<sup>91</sup> چنین مقرراتی نوعاً این اثر را دارند که به سازمان اجازه دارا شدن حقوق و تکالیف در حقوق داخلی را می‌دهند؛

89. Schermers & Blokker, *supra* note 12, at 1007.

90. Inst. of Int'l Law *supra* note 14 at 419 (Higgins, provisional Report).

91. طرح اصلی این موضوع در ماده 104 منشور ملل متحد آمده است. مثال‌های بیش‌تر در کتاب زیر جمع آوری شده است

Sand & Klein, *supra* note 12 at 471 n. 10

نظیر حق و تکلیفی که به وسیله قراردادهای مبادله کالا و ارائه خدمات یا اجاره املاک ایجاد می‌شود. اکثر این اسناد شخصیت را برای سازمان در قلمرو داخلی دولت های عضو ایجاد می‌کنند.<sup>۹۲</sup> اما در قاهره اصول حقوق بین‌الملل، دولت‌های عضو با توافقاتشان خود را در به رسمیت شناختن این شخصیت برای سازمان ملزم می‌سازند. از که شخصیت در حقوق داخلی دولت‌های عضو تحت حاکمیت تعهدات معاهده‌ای قرار دارد، نگرانی جدی درباره این که مسئولیت همزمان یا ثانویه شخصیت را در قلمرو داخلی تضعیف خواهد کرد، به وجود نمی‌آید. در مقابل، گذشته از برخی استثنائات محدود،<sup>۹۳</sup> اسناد مؤسس سازمان های بین المللی به موضوع شخصیت در حقوق بین‌الملل نمی‌پردازند. براین اساس، بحث زیر به اصل شخصیت مجزا در قلمرو بین‌المللی مربوط می‌شود.

پیش از سال 1949، بر سر این که آیا یک سازمان بین‌المللی قادر به دارا شدن شخصیت حقوقی در عرصه بین‌المللی هست یا خیر، اختلاف نظر وجود داشت. این موضوع برای بررسی در دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «جبران خسارت»<sup>۹۴</sup> مطرح گردید که در آن، مجمع عمومی تقاضای یک نظر مشورتی کرد و طی آن از دیوان بین‌المللی دادگستری خواست اظهار نظر کند که آیا سازمان ملل متحد صلاحیت دارد که دعوایی بین‌المللی را علیه دولتی که مسئول وارد آمدن صدمه به یکی از کارگزاران این سازمان است، اقامه کند؟ به‌عنوان نظر مقدماتی، دیوان بین‌المللی دادگستری این دیدگاه را اتخاذ کرد که سازمان ملل متحد تنها در صورتی می‌تواند صلاحیت اقامه چنین دعوایی را دارا شود که شخصیت حقوقی بین‌المللی به آن اعطا شده باشد.<sup>۹۵</sup> دیوان در ارتباط با شخصیت، چنین بیان داشت که «مقصود از تشکیل سازمان ملل متحد این بود و در واقع هم‌اکنون نیز این قصد وجود دارد که این سازمان اقداماتی را انجام دهد و از حقوقی بهره‌مند گردد که این اقدامات و حقوق تنها بر مبنای دارا بودن میزان بالایی از شخصیت بین‌المللی و اهلیت اقدام در سطح بین‌المللی قابل توضیح است».<sup>۹۶</sup> اگرچه این تصمیم تنها به

92. Sands & Klein supra note 12, at 475.

93. به طور مثال رجوع کنید به: کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق دریاها، 1833 U.N.T.S. 397, art 176, Dec. 10, 1982

موافقتنامه تأسیس صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی

28 U.S.T. 8435, 1059, U.N.T.S. 191, Art. 10(1), June 13, 1976

Treaty ماده 281 معاهده تأسیس جامعه اروپایی که بیان می‌دارد جامعه اروپایی از شخصیت حقوقی برخوردار خواهد بود: Establishing the European Community art 281, Nov. 10, 1997, 1997, O.J. (C340)3.

94. Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations Advisory Opinion 1949 I.C.J. 174 (Apr. 11).

95. *Id.* at 179. The majority did not refer to U.N. Charter art 104. *cf. Id.* at 196-98 (Hackwork J., Dissenting).

96. *Id.* at 179

شخصیت سازمان ملل متحد مربوط است، اما تردید نیست که می‌توان این استدلال دیوان را به سایر سازمان‌های بین‌المللی که دارای اقدامات، حقوق یا تکالیفی می‌شوند که مستلزم شخصیت حقوقی است تسری داد.<sup>97</sup> در حال حاضر اساساً پذیرفته شده است که سازمان‌های بین‌المللی قادر به دارا شدن شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند، شخصیتی که جدا از شخصیت دولت‌های عضو است.

هرچند اندیشه امکان وجود سازمانی که دارای شخصیت بین‌المللی باشد در حال پذیرفته شدن است، ولی اجماعی در خصوص معیارهای پذیرفته شده برای اثبات شخصیت وجود ندارد.<sup>98</sup> بی‌تردید وجود معیاری رسمی نظیر انجمن دائمی و وجود اقتدارات حقوقی که قابل اعمال در سطح بین‌المللی هستند، ضروری است. با این حال، مشخص‌ترین و مهم‌ترین الزامات این است که سازمان یا دست‌کم یکی از ارگان‌های سازمان، اراده‌ای را ابراز کند که متمایز از اراده دولت‌های عضو است و بر این مطلب دلالت دارد که سازمان تحت حاکمیت دولت‌های عضو نیست.<sup>99</sup> وقتی که یک سازمان دارای اراده متمایز نیست یا صرفاً تحت اقتدار دولت‌های عضو عمل می‌کند، تنها به‌عنوان جزئی الحاقی به دولت‌های عضو، بدون داشتن شخصیتی مستقل، تلقی خواهد شد.

نتیجه مهمی که از دارا بودن شخصیت به دست می‌آید این است که سازمان بین‌المللی را می‌توان در قبال اعمالش طبق حقوق بین‌الملل مسئول شناخت.<sup>100</sup> مسئولیت یک سازمان بین‌المللی فرع بر توانایی آن سازمان در اقامه دعوا برای اعمال حقوقش طبق حقوق بین‌الملل است.<sup>101</sup> برای مثال، دبیرکل سازمان ملل متحد بیان داشته است که مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل متحد در قبال فعالیت نیروهای سازمان، نشان‌دهنده شخصیت حقوقی بین‌المللی و صلاحیت آن برای دارا شدن حقوق و تکالیف است.<sup>102</sup> عملاً اصول حاکم بر مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مشابه اصول حاکم بر مسئولیت دولت‌ها است.<sup>103</sup>

97. Sands & Klein, *supra* note 12, at 472

98. Klabbers, *supra* note 12, at 52-57.

99. Amerasinghe *supra* note 12, at 82-83; Klabbers, *supra* note 12, at 12; *The changing image of International organizations*, in "The legitimacy of International Organizations" Jan Klabbers 221, 226 (Jean – Marc Coicaud & Veijo Heiskanen eds. 2001)

100. Amerasinghe, *supra* note 12 at 399; Klabbers, *supra* note 12, at 306; Sands & Klein, *supra* note 8 at 513; Schermers & Blokker, *supra* note 12, at 1006.

101. Amerasinghe, *supra* note 12, at 399.

102. The Secretary – General, *supra* note 25, 6.

103. اولین گزارش گزارشگر ویژه «گایا»: *supra* note 55, 11. Sands & Klein, *supra* note 12, at 519- 20; Schermers & Blocker, *supra* note 12, at 1006.

تا اندازه‌ای بحث بر سر این مطلب وجود دارد که آیا شخصیت یک سازمان بین‌المللی، عینی است و بر این مبنا برای طرف‌های ثالث الزام‌آور است؟ در قضیه ریپاریشن، دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر داشت که سازمان ملل متحد دارای «شخصیت بین‌المللی عینی» است و بنابراین قادر به طرح دعوا طبق حقوق بین‌الملل علیه یک دولت غیر عضو است.<sup>۱۰۴</sup> با این حال این‌گونه استدلال شده است که شخصیت عینی سازمان ملل ناشی از این مطلب است که تقریباً همه کشورهای جهان عضو این سازمان هستند و به علاوه فعالیت‌های سازمان ملل، تمام حوزه‌های موجود در عرصه بین‌المللی را تحت پوشش قرار می‌دهد و چنین وضعیتی در بین سازمان‌ها بین‌المللی بی‌نظیر است.<sup>۱۰۵</sup> بر مبنای این استدلال، معاهده ای که یک سازمان بین‌المللی را ایجاد می‌کند و به‌طور صریح یا ضمنی برای آن شخصیت بین‌المللی قائل می‌گردد، براساس «اصل نسبی بودن معاهدات» تنها می‌تواند بر حقوق و تکالیف دولت‌های عضو مؤثر باشد و در مورد طرف ثالث قابل اعمال نیست.<sup>۱۰۶</sup> نتیجتاً استدلال شده است که طرف ثالث را نمی‌توان ملزم به پذیرش سازمان بین‌المللی به‌عنوان نهادی که از جانب دولت‌های عضو مدیون است کرد؛ دولت‌هایی که ثروت انباشته بیش‌تری نسبت به سازمان دارند.<sup>۱۰۷</sup> اگر این استدلال صحیح باشد نیاز به مسئولیت همزمان یا ثانویه را تقریباً مرتفع خواهد ساخت، چرا که طرف ثالث می‌تواند شخصیت مجزای سازمان را به رسمیت شناسد و مستقیماً علیه دولت‌های عضو اقدام حقوقی کند.<sup>۱۰۸</sup>

هرچند اختلاف نظر بر سر ماهیت و نشانه‌ی شخصیت حقوقی بین‌المللی همچنان باقی است، لکن دیدگاه منطقی‌تر این است که شخصیت مجزای سازمان بین‌المللی برای طرف‌های ثالث الزام‌آور است. نوع مواجهه سازمان‌های بین‌المللی با طرف‌های ثالث تنها بر این مبنا قابل توضیح است که سازمان‌ها شخصیت مختص به خودشان را دارند. انجام مذاکرات و انعقاد قراردادهای به‌جای دولت‌های عضو با سازمان صورت می‌گیرد؛ سازمان‌ها بین‌المللی در مقابل طرف‌های ثالث تعهداتشان را انجام می‌دهند و به‌طور عادی مسئولیت قصور در اجرا را می‌پذیرند. ظرفیت قرار گرفتن در یک طرف روابط بین‌المللی و نیز اهلیت لازم جهت بر عهده گرفتن مسئولیت برای آن اعمال، مستلزم شخصیت عینی است. دور از ذهن‌ترین دیدگاه این است که همه

104. *Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, Advisory Opinion, 1949 I.C.J. 174, 185 (Apr. 11).*

105. Seidl – Hohenveldern (2001), *supra* note 21, at 733.

106. *Id.* at 732; Seidl – Hohenveldern (1987), *supra* note 21, at 121.

107. Seidl – Hohenveldern (2001), *supra* note 21, at 732.

108. Seidl – Hohenveldern (2001), *supra* note 21, at 733.

سازمان‌های بین‌المللی به دلیل وجودشان، شخصیت عینی دارند.<sup>۱۰۹</sup> دیدگاه مبهم‌تر این است که اسناد تأسیس سازمان‌ها قادرند شخصیت حقوقی سازمان را بر شخص ثالث تحمیل کنند.<sup>۱۱۰</sup> دست‌کم طرف ثالثی که صراحتاً یا تلویحاً به واسطه رفتاری که در مواجهه با سازمان بروز می‌دهد، آن را به رسمیت می‌شناسد، تا حدی که شخصیت مجزا طبق حقوق بین‌الملل به سازمان اعطا شده است، ملتزم خواهد بود.<sup>۱۱۱</sup> از این رو، اگر شخصیت سازمان‌های بین‌المللی عینی است، اشخاص ثالث نمی‌توانند از شخصیت یک سازمان بگذرند و مستقیماً علیه دولت‌های عضو اقدام کنند. اگر سازمان‌ها شخصیت مجزا دارند، مسئولیت دولت‌های عضو می‌تواند تنها ثانویه یا همزمان با مسئولیت سازمان باشد.

روشن است که در تقسیم مسئولیت بین یک سازمان بین‌المللی و دولت‌های عضو، شخصیت مجزای سازمان از اهمیت اساسی برخوردار است. اگر یک سازمان بین‌المللی، شخصیت متمایزی نداشته باشد، نمی‌توان آن را مسئول تعهدات شناخت، حتی اگر تعهدات به نام سازمان بر عهده گرفته شده باشد.<sup>۱۱۲</sup> در چنین وضعیتی، دولت‌های عضو مستقیماً مسئول همه تعهداتی خواهند بود که به نام سازمان بر عهده گرفته شده است.<sup>۱۱۳</sup> به‌طور مثال، در قضیه «ناتورا»<sup>۱۱۴</sup> تلویحاً ابراز گردید که می‌توان هر یک از دولت‌های درگیر در یک سازمان اداره‌کننده سه جانبه را مستقیماً مسئول اعمال سازمان شناخت. دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید کرد که مقام اداره‌کننده «یک شخصیت حقوقی متمایز از سه دولت اداره‌کننده ندارد».<sup>۱۱۵</sup> همچنین اتحادیه اقتصادی بلژیک - لوکزامبورگ، که بلژیک نمایندگی آن را در روابط بین‌المللی بر عهده دارد، شخصیت مجزا ندارد و به تبع آن احتمالاً دو دولت عضو مشترکاً و منفرداً مسئول اعمال آن هستند.<sup>۱۱۶</sup> مثال دیگر، مقر فرماندهی سازمان ملل در کره است که دارای شخصیت متمایزی نبود و این بدان معنا است که ایالات متحده و هم‌پیمانانش مسئول اعمال آن بودند.<sup>۱۱۷</sup> درحالی‌که واضح است شخصیت، آثار مهمی بر مسئولیت دارد، نمی‌توان نتیجه گرفت که اصل مسئولیت مجزا، مسئولیت همزمان یا ثانویه دولت‌های عضو را به مخاطره می‌افکند. آری،

109. Amerasinghe, *supra* note 12, at 91.

110. Inst. of Int'l Law, *supra* note 14, at 276 (Higgins, Preliminary Report).

111. Sands & Klein, *supra* note 12, at 476.

112. Inst. of Int'l Law *supra* note 14, at 252-53 (Higgins Preliminary Report).

113. *Id.*

114. Amerasinghe, *supra* note 12, at 412.

115. *Id.* at 258 (per curiam); *Id.* at 271 (separate opinion of Judge shahabuddeen).

116. Amerasinghe, *supra* note 12, at 412.

117. Finn Seyersted, *United Nation's Forces: Some Legal Problems*, 37 Brit Y.B. Int'l L. 351, 427-34 (1961).

اگر فقط و فقط دولت‌های عضو مسئول فعالیت‌های سازمان باشند قائل شدن به مفهوم مسئولیت مجزا مشکل خواهد بود. نمی‌توان گفت یک سازمان بین‌المللی که در قبال اعمالش مسئول نیست شخصیت مجزا دارد، چرا که اهلیت عهده دار شدن مسئولیت، ملازم با شخصیت است. با این حال، این نظریه که دولت‌های عضو می‌توانند مسئولیت همزمان یا ثانویه را متحمل شوند مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را تضعیف نمی‌کند. پیش‌فرض هر دو مفهوم مسئولیت همزمان و ثانویه این است که سازمان مسئول اعمال خود است. مسئولیت دولت‌ها یا در کنار مسئولیت سازمان مطرح خواهد شد (مسئولیت همزمان) یا وقتی سازمان قادر به اجرای تعهداتش نیست به‌عنوان پشتوانه آن محسوب می‌گردد (مسئولیت ثانوی). بنابراین، نمی‌توان گفت که مسئولیت همزمان یا ثانویه، به‌عنوان موضوعات حقوقی، با مفهوم شخصیت مجزا متناقض است و تا جایی که نگرانی مفسران بر پایه چنین تناقضی استوار شده، این نگرانی، سست و بی‌پایه است.

**ب) مسئولیت دولت‌های عضو، استقلال سازمان‌های بین‌المللی را محدود نخواهد کرد**  
نگرانی دوم و قوی‌تر مفسران این است که مسئولیت همزمان یا ثانویه، استقلال سازمان‌های بین‌المللی را به واسطه تشویق دولت‌های عضو به دخالت در امور داخلی سازمان کاهش خواهد داد. چنین استدلال شده است که دولت‌های عضو که با دورنمای مسئولیت مالی در قبال اعمال سازمان بین‌المللی مواجه می‌شوند، خواستار اعمال کنترل بیش‌تر بر فعالیت‌های سازمان خواهند شد. اگر میزان کنترل به این حد برسد، دیگر سازمان اراده متمایزی نخواهد داشت و شخصیت مجزایش ساقط خواهد شد. نگرانی مفسران درباره از دست رفتن شخصیت سازمان، بیش از آن که بر مبنای ملاحظه تناقض بین شخصیت سازمان بین‌المللی و مسئولیت همزمان یا ثانویه باشد به احتمال بسیار زیاد براساس چنین استدلالی است، اگرچه این موضوع به‌طور واضح در نوشته‌های‌شان نیامده است. نوعی اجبار در پشت این نگرانی وجود دارد؛ سازمانی که به‌وسیله دولت‌های عضو خود کنترل می‌شود فاقد اراده متمایز، یعنی مهم‌ترین معیار شخصیت، خواهد بود. علاوه بر نگرانی درباره شخصیت، مفسران استدلال می‌کنند که اگر دولت‌های عضو به گونه‌ای افراطی در فعالیت‌های سازمان بین‌المللی مداخله کنند منافع حاصل از کارایی و بی‌طرفی سازمان قطع خواهد شد.

دلایل محکمی می‌توان برای این عقیده اقامه کرد که اگر سازمان‌های بین‌المللی به وسیله دولت‌های عضوشان کنترل شوند با کارایی کم‌تری فعالیت خواهند کرد. با این حال، مسأله اساسی این است که آیا واقعاً مسئولیت همزمان یا ثانویه منجر به دخالت بیش‌تر دولت‌های عضو در فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی می‌شود؟ مفسران بر این عقیده اند که اگر قرار باشد دولت‌های عضو با آثار مالی اقدامات انجام شده توسط سازمان مواجه شوند بر کنترل بیش‌تر این



اقدامات اصرار خواهند ورزید. این فرض مشرف بر این موضع است که جدا از بحث مسئولیت همزمان و ثانویه، از قبل اجماعی گسترده و رویه‌ای در حقوق بین‌الملل وجود دارد که مسئولیت هزینه‌های ایجاد شده از سوی یک سازمان بین‌المللی را بر کشورهای عضو تحمیل می‌کند. معتبرترین بیان از این اصل در قضا «هزینه‌های معین»<sup>۱۱۸</sup> آمده است، قضیه‌ای که در سال 1962، دیوان بین‌المللی دادگستری درباره آن اتخاذ تصمیم کرد. در آن قضیه، از دیوان بین‌المللی دادگستری خواست شد که در این باره نظری مشورتی ارائه کند که آیا مخارج به وجود آمده در دوره عملیات نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در کنگو و خاورمیانه، جزئی از «هزینه‌های سازمان» که موضوع بند 2 ماده 17 منشور سازمان ملل است، محسوب می‌شود؟ مطابق بند 2 ماده 17، چنین مخارجی بر حسب سهمیه‌بندی مقرر از طرف مجمع عمومی بر عهده دولت‌های عضو خواهد بود. دیوان بین‌المللی دادگستری نظر داد که: عموماً هزینه‌های یک سازمان، مبلغی است که برای تأمین مخارج انجام فعالیت‌هایی که در راستای اهداف سازمان است، پرداخت می‌گردد و در موضوع سازمان ملل، این اهداف شامل اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بشردوستانه می‌گردد.<sup>۱۱۹</sup> فرض بر این است که عملی که از سوی سازمان ملل انجام می‌شود خارج از حدود صلاحیت آن (ultra Vires) نیست و حتی وقتی که عملی با رویه‌های داخلی سازمان ملل مطابق نیست باز هم در صورتی که با اهداف این سازمان مطابقت داشته باشد، یک هزینه به مفهوم مذکور در بند 3 ماده 17 منشور خواهد بود.<sup>۱۲۰</sup> نتیجتاً دولت‌های عضو سازمان ملل متحد مطابق قاعده سهمیه‌بندی که مورد پذیرش مجمع عمومی است، متعهد به مشارکت در تأمین هزینه‌های نیروهای حافظ صلح هستند.

اسناد تأسیس بیش‌تر سازمان‌های بین‌المللی، مشارکت‌های مالی از جانب دولت‌های عضو را پیش‌بینی کرده‌اند، اگرچه شکل دقیق تعهد ممکن است بین سازمان‌ها متفاوت باشد.<sup>۱۲۱</sup> اگر تفسیر موسع دیوان بین‌المللی دادگستری درباره عبارت «expenses» در منشور سازمان ملل قابل تسری به سازمان‌های دیگر باشد، تعهد به مشارکت می‌تواند مخارج ایجاد شده در طول فعالیت‌های مرتبط با اهداف سازمان را پوشش دهد. به‌علاوه قاضی «فیتز‌موریس» در نظریه‌ای

118. Certain Expenses of the United Nations (Article 17, Paragraph 2 of the Charter) Advisory Opinion 1962 . I.C.J . 151 (July 20).

119. *Id.* at 158.

120. *Id.* at 167-68 (Per Curiam); see also *Id.* at 223- 24 (separate opinion of Judge Morelli); *id* at 199-200 (separate opinion of judge Fitzmaurice)

(این دیدگاه، نظر قاطعی در خصوص اعمالی که یک سازمان بر خلاف مقررات داخلی انجام می‌دهد بیان نکرده است.)  
cf. *Id* at 230 (Winiarski P.J. Dissenting).

121. Amerasinghe, *supra* note 12, at 359-65; Sands & Klein, *supra* note 12, at 569- 73; Schermers & Blokker, *supra* note 12, at 620- 35.

جداگانه در قضیه هزینه‌ای معین چنین استدلال کرد که حتی قطع نظر از بند 2 ماده 17 منشور، تعهد جمعی دولت‌های عضو به تأمین مالی سازمان ملل به دلالت التزامی ایجاد خواهد شد.<sup>۱۲۲</sup> استدلال مشابه ممکن است برای دیگر سازمان‌های بین‌المللی نیز به کار رود، چنان که در اکثر موارد، دولت‌های عضو متعهد به شرکت در تأمین هزینه‌های مالی سازمان هستند.<sup>۱۲۳</sup> عموماً یک سازمان بین‌المللی در راستای اهدافش تعهداتی را نسبت به طرف‌های ثالث ایجاد می‌کند.<sup>۱۲۴</sup> در نتیجه، دولت‌های عضو نسبت به یکدیگر و سازمان متعهد هستند که در تأدیه دیون ایجاد شده توسط سازمان نسبت به طرف‌های ثالث مشارکت کنند.

از آن‌جا که سرمایه سازمان ممکن است علاوه بر تأمین هزینه‌های جاری آن، جهت پرداخت دهن سازمان نیز به مصرف برسد، لذا مفسران تعهد به تأمین سرمایه سازمان را به عنوان مسئولیت غیرمستقیم تلقی کرده‌اند.<sup>۱۲۵</sup> این شکل از مسئولیت تنها به وسیله سایر دولت‌های عضو یا خود سازمان، تعهدی قابل اجرا مطابق با شرایط صریح یا ضمنی سند تأسیس سازمان ایجاد می‌کند و حقی را به طرف‌های ثالث اعطا نمی‌کند تا به‌طور مستقیم در صدد جبران خسارت خود از دولت‌های عضو برآید. در این مفهوم، مسئولیت غیرمستقیم قابل تمایز از مسئولیت همزمان و ثانویه است. هرچند مسئولیت غیرمستقیم، حقوقی را به طرف‌های ثالث اعطا نمی‌کند با این حال تعهدی است که دولت‌های عضو را طبق حقوق بین‌الملل ملزم می‌سازد. در مباحثات مؤسسه حقوق بین‌الملل در رابطه با مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، چندین بار این دیدگاه مطرح گردید که دولت‌های عضو متعهد خواهند شد سرمایه سازمان را تأمین کنند تا سازمان در موقعیتی قرار گیرد که بتواند دیون طلبکاران را بپردازد.<sup>۱۲۶</sup> در قطعنامه‌ای که در مؤسسه حقوق بین‌الملل به تصویب رسیده، آمده است که به استثنای مواردی که قواعد سازمان به‌گونه‌ای دیگر مقرر می‌دارد یا واقعیت‌های حاکم چیز دیگری را نشان می‌دهند، دولت‌های عضو متعهد به

**122.** Certain Expenses of the United Nations (Article 17 Paragraph 2 of the Charter), Advisory Opinion 1962 I.C.J. 151, 208 (July 20).

**123.** Sands & Klein, *supra* note 12, at 525 Inst. of Int'l Law *supra* note 14, at 415 (Higgins, Provisional Report).

**124.** Amerasinghe, *supra* note 12, at 374; Sands & Klein, *supra* note 12, at 525.

**125.** Hirsch, *supra* note 22, at 142; Schermers & Blokker, *supra* note 12, at 1007; Henry Schermers, *Liability of International Organizations*, 1 Leiden J.Int'l L. 3, 14(1988).

اما «کلابرز» مسئولیت غیرمستقیم را مورد انتقاد قرار می‌دهد، بر این مبنا که اگر کسی مسئولیت غیرمستقیم را بپذیرد، دلیلی برای عدم پذیرش مسئولیت مستقیم از سوی او وجود ندارد.

*cf.* Klabbers, *supra* note 12, at 313.

**126.** Inst. of Int'l Law, *supra* note 14, at 334 (Crawford commentary); *Id.* at 360 (Amerasinghe);

دیگر اعضای مؤسسه بیان داشتند که اگر هم مسئولیتی بر عهده کشورهای عضو باشد، این مسئولیت، تنها مسئولیت تأمین و شارژ سرمایه سازمان است.

*Id.* at 315 (Shihate); *Id.* at 331 (Seyersted); *id.* at 364 (Bowett); *cf. Id.* at 371 (Seidl – Hohenveldern).

پرداخت دیون ممتاز سازمان به محض انحلال آن هستند.<sup>۱۲۷</sup> طبق نظر مؤسسه حقوق بین‌الملل، در جایی که دولت‌های عضو مسئول تأمین سرمایه یک سازمان هستند، سهم هر یک از دولت‌ها باید متناسب با مشارکتشان در بودجه مقرر یا تعهد پرداخت سرمایه باشد.<sup>۱۲۸</sup>

احتمال وجود مسئولیت غیرمستقیم در جریان دادرسی پیونده شورای بین‌المللی قلع مطرح شد. در محضر دیوان عالی چنین استدلال گردید که این شورا می‌تواند در دریافت مطالبات، جایگزین طلبکاران گردد و سبب دعوی را علیه دولت‌های عضو تعقیب کند.<sup>۱۲۹</sup> در دادگاه استیناف قاضی رالف گیسون نظر داد که دولت‌های عضو شورای بین‌المللی قلع طبق حقوق بین‌الملل، مسئول تأمین سرمایه‌های کافی برای شورای بین‌المللی قلع هستند تا این سازمان بتواند دیون خود را بپردازد.<sup>۱۳۰</sup> این مسئولیت تنها می‌تواند در سطح دولت‌ها قابل اعمال باشد و بنابراین جبران خسارت مستقیم برای طلبکاران را تأمین نخواهد کرد.<sup>۱۳۱</sup> همچنین لرد «گریفیزس» اظهار داشت که «راه‌حل منصفانه مشخص» این مشکل، برای دولت‌هایی که در تأمین مالی شورای بین‌المللی قلع مشارکت کرده‌اند، این است که دیون آن را به نسبت سهم خود تصفیه کنند.<sup>۱۳۲</sup> مسئولیت غیرمستقیم، مبنای راه‌حل نهایی دعوی شورای بین‌المللی قلع گردید. دولت‌های عضو، سازمان را تأمین مالی کردند تا قادر به پرداخت دیونش گردد. این در حالی بود که دولت‌ها بر این موضوع اصرار می‌ورزیدند که پرداخت‌های آن‌ها نمی‌تواند به عنوان ادای تعهدی تلقی گردد که مستقیماً به وسیله آن‌ها نسبت طرف‌های ثالث به وجود آمده است.<sup>۱۳۳</sup> با توجه به این که دولت‌های عضو، مسئولیت غیرمستقیم دیون یک سازمان بین‌المللی را متحمل می‌گردند، این احتمال وجود ندارد که دورنمای مسئولیت همزمان یا ثانویه بار اضافه ای باشد که دولت‌های عضو را به دخالت در امور داخلی سازمان ترغیب کند. دولت‌های عضو در تأسیس و حفظ یک سازمان، باید به این آگاهی رسیده باشند که ممکن است بر طبق اصول کلی حقوق بین‌الملل و نیز طبق شرایط بسیاری از اسناد تأسیس، دولت‌های عضو ملزم به تأمین مالی سازمان هستند تا سازمان توانایی پرداخت دیونش را پیدا کند. اگرچه تفاوت شکلی و حقوقی بین

127. Inst. of Int'l Law, *supra* note 22, at 453, art. 11.

128. *Id.* Art. 10.

129. *Maclaine Watson & Co. v. Int'l Tin Council*, [1988] 3 All E.R. 257 (A.C.) (Eng.).

130. *Maclaine Watson*, [1988] 3 All E.R. at 353-54.

به نظر می‌رسد که «لرد کیر» نیز به نتیجه مشابهی رسید، اگر چه قضاوت او از این نظر مبهم است.

*Id.* at 307.

131. *Id.* at 337, 354 (Lord Ralph Gibson).

132. *J.H. Rayner Ltd. v. Dept of Trade & Indus.*, [1990] 2 A.C. 418,484 (H.L.) (Lord Griffiths) (Eng.);

*Id.* at 482 (Lord Templeman).

133. *Sands & Klein*, *supra* note 12, at 525-26; *Amerasinghe*, *supra* note 82, at 269.

مسئولیت غیرمستقیم و مسئولیت همزمان یا ثانویه وجود دارد، ولی ماهیت تعهدات، یعنی تضمین بازپرداخت دیون سازمان‌ها، در آن‌ها یکسان است. این تعهد می‌تواند به وسیله خود سازمان یا توسط هر یک از دولت‌های عضو اجرا گردد. این فرض غیرموج ه می نماید که تفاوت بین مسئولیت همزمان و ثانویه و اصل عموماً پذیرفته شده مسئولیت غیرمستقیم ، برای ترغیب دولت‌های عضو به دخالت بیش‌تر در فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی کافی خواهد بود . بعید است دولت‌های عضو که ارزش سازمان‌های بین‌المللی مستقلی را که به‌طور مؤثر عمل می‌کنند ، به رسمیت شناخته‌اند، با دخالت افراطی، به این عملکرد و استقلال سازمان لطمه وارد آورند.

حال این سؤال مطرح می‌گردد که اگر سازمان مورد بحث با قصد سودآوری تأسیس شده باشد، به‌طوری‌که دولت‌های عضو انتظار تحمیل هیچ‌گونه تعهد مالی فراتر از هزینه‌های تأسیس اولیه را بر دوش خود نداشته بکشند، در این صورت آیا نتیجه‌گیری فوق تغییر خواهد کرد؟<sup>۱۳۴</sup>

سرمایه برخی سازمان‌های بین‌المللی بر این مبنا تأمین شده است که دولت‌های عضو پرداخت مبلغ سرمایه ثابتی را برای تأسیس سازمان تقبل خواهند کرد و پس از آن، قصد بر این است که سازمان، خود مخارجش را تأمین کند.<sup>۱۳۵</sup> با این حال اساساً سازمان‌هایی که دارای چنین ماهیتی هستند صرفاً به قصد سودآوری تأسیس نمی‌گردند، بلکه بیش‌تر، هدف از ایجاد آن ها ارتقا ی اهداف مصلحت‌اندیشانه دولت‌ها است. برای مثال، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به‌عنوان قرض‌دهنده پول با بهره، عمل می‌کنند، اما این وظیفه برای نیل به اهداف مصلحت‌اندیشانه بزرگ‌تری در نظر گرفته شده است. شورای قلع بین‌المللی که به امر خرید و فروش قلع اشتغال داشت ابتدائاً برای سودآوری نبوده، بلکه بیش‌تر برای تضمین ثبات بازار جهانی قلع بود. اگر دولت‌ها حاضر به تأسیس چنین سازمان‌هایی باشند، می‌توان فرض کرد که آن‌ها اراده تأمین سرمایه سازمان‌ها را دارند، به‌طوری‌که آن سازمان‌ها بتوانند به اهدافشان دست یابند.<sup>۱۳۶</sup> به‌علاوه تصمیم‌نهایی دعوی شورای قلع بین‌المللی ثابت کرد که حتی وقتی اراده بر این است که یک سازمان، خودش سرمایه‌اش را تأمین کند، مسئولیت غیرمستقیم دولت های عضو در قبال دیون سازمان به قوت خود باقی است. بنابراین، داشتن انتظار مضاعف از مسئولیت همزمان یا ثانویه، انگیزه بیش‌تری را برای دخالت در امور یک سازمان سودآور از آنچه در مورد یک سازمان غیرسودآور بیان کردیم، برای یک دولت عضو ایجاد نمی‌کند.

134. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه هزینه‌های معین سازمان ملل (certain expenses) به امکان سایر منابع درآمدی پرداخته است.

135. Inst. of Int'l Law, *supra* note 14, at 396 (Higgins, Provisional Report).

136. Lord Justice Nourse found this argument compelling *Id.* At 333.

سرانجام این موضوع باید مورد بررسی قرار گیرد که آیا دورنمای مسئولیت فردی و مشترک، در مقابل مسئولیتی که به نسبت سهام مالی دولت‌های عضو تعیین می‌گردد، می‌تواند دولت‌های عضو را به دخالت در امور یک سازمان بین‌المللی ترغیب کند؟ یکی از مزیت‌های اصلی سازمان‌های بین‌المللی این است که اجازه می‌دهند تا هزینه و ریسک بین دولت‌ها تقسیم گردد.<sup>۱۳۷</sup> با این حال، اگر دولت‌های عضو متحمل مسئولیت فردی و مشترک گردند، طلبکار می‌تواند یک دولت عضو را برای تمام دیون به وجود آمده به وسیله سازمان تحت تعقیب قرار دهد. چنین دورنمایی ممکن است برای کشورهای فقیر، که قادر به تحمل تمام هزینه‌های یک مؤسسه اقتصادی نیستند، خوشایند نباشد.<sup>۱۳۸</sup> این موضوع همچنین می‌تواند برای کشورهای ثروتمند هم ناخوشانید باشد؛ چرا که وقتی سازمان معسر می‌گردد، احتمال تعقیب از سوی طلبکاران بیشتر می‌شود. با این حال، دولت‌های عضو که به تنهایی مورد تعقیب یک طلبکار قرار گرفته است احتمالاً می‌تواند علیه سایر دولت‌های عضو مدعی گردد تا آن دولت‌ها سهم خود از دیون را بپردازند یا حتی در صدد فراخواندن سایر دولت‌های عضو در دعوی که به وسیله طرف ثالث طرح شده است، برآید. بنابراین، مسئولیت فردی و مشترک لزوماً منتج به حذف تقسیم هزینه بین دولت‌ها نخواهد شد.

تعقیب سایر دولت‌های عضو به خاطر سهم آن‌ها در یک دین، چه از طریق قضای و چه با توسل به دیپلماسی، می‌تواند اقدامی پیچیده باشد؛ اما این موضوع پیچیده‌تر از اختلافاتی نیست که بوسه میزان بدهکاری دولت‌های عضو براساس سند تأسیس سازمان به وجود می‌آید. بنابراین، حتی اگر مسئولیت دولت‌های عضو مشترک و فردی باشد، دلیل قانع‌کننده‌ای مبنی بر این که تصور کنیم این موضوع لزوماً سبب دخالت دولت‌های عضو در امور سازمان می‌گردد، نخواهد بود.

### نتیجه‌گیری

این نوشتار به این نگرانی که قائل بودن به هر یک از دو نوع مسئولیت همزمان یا ثانوی دولت‌های عضو، منجر به تضعیف شخصیت و استقلال سازمان‌های بین‌المللی خواهد شد، پاسخ داده، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که در مورد لطمه وارد به شخصیت و استقلال سازمان‌ها در نتیجه مسئولیت همزمان و ثانوی، اغراق صورت گرفته است. بنابراین، رد اصول مسئولیت همزمان و ثانویه بر مبنای این ملاحظات مصلحت‌اندیشانه باید مورد بازنگری قرار گیرد. همان‌گونه که در مقدمه تأکید شده است، این نتیجه برای اثبات وجود قاعده مسئولیت همزمان یا

137. Brownlie, *supra* note 54 at 656.

138. Amerasinghe, *supra* note 12, at 443.

ثانویه در حقوق بین الملل نیست. این مقاله، هدف محدودتری دارد و آن اثبات این مطلب است که نگرانی در مورد شخصیت یا استقلال سازمان های بین المللی، دلیل منطقی برای انکار مسئولیت همزمان و ثانوی نیست. حتی اگر شخصی این استدلال را بپذیرد ممکن است از میانی دیگری به این نتیجه برسد که این دو شکل از مسئولیت در زمره اصول حقوق بین الملل نیستند. یکی از این میانی می تواند این باشد که مسئولیت همزمان و مسئولیت ثانویه در بر دارنده تحمیل مسئولیت به دولت های عضو در قبال عملی است که از آن ها سر نزده است. همان گونه که در قسمت نخست این نوشتار بیان شده، سایر میانی موجود جهت اثبات مسئولیت دولت های عضو در قبال عمل سازمان بین المللی، جملگی منوط به دخالت داشتن دولت ها در عمل متخلفانه است. هر یک از دو نوع مسئولیت همزمان یا ثانویه، انحرافی مهم از چنین الگویی خواهد بود.

